

اقتصاد بدون نفت

به مناسبت شصت و نهمین سال تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت

امیر طیرانی

ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله اولیاء ثم لا تنتصرون" (و شما مومنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدانها دلگرم باشید وگرنه آتش کیفر آنها شما را هم در برخواهد گرفت و کسی شمارا یاری نخواهد کرد. سوره هود ۱۱۳)

قانون ملی شدن صنعت نفت روز ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب مجلس سنا و پنج روز بعد در ۲۹ اسفند به تصویب مجلس شورای ملی رسید و بدین ترتیب ملت ایران توانست در مبارزه مسالمت آمیز خود علیه یکی از قدرتمندترین حکومت‌های دوران به پیروزی برسد.

اما واقعیت آن بود که این پیروزی تنها گام اول در این مبارزه به شمار می رفت .

دکتر مصدق در خاطرات خود می نویسد: "چند روز بعد از ملی شدن صنعت نفت یکی از مدیران ایرانی و موثر شرکت نفت انگلیس و ایران به من گفت اگر دولت توانست یک ماه مملکت را بدون عایدات نفت اداره کند و به کار ادامه دهد آن وقت باید قبول کنیم که صنعت نفت را ملی کرده است . "

دشواری اداره کشور در غیاب قطع درآمدهای نفتی در آن دوران هنگامی به درستی درک و فهم خواهد شد که ما از شرایط و وضعیت اقتصادی کشور و دولت هرچند به صورت کلی آگاهی داشته باشیم .

نگاهی به بودجه کشور در سال های دهه ۱۳۲۰ نشانگر کسری بودجه دائمی و مزمن کشور بود . به عنوان مثال کسری بودجه کشور در سال ۱۳۲۸ ، ۳۳۲ میلیون ریال معادل ۳۰ درصد کل بودجه بود . از سوی دیگر کسری تجاری ایران در همان سال بالغ ۸۰ درصد بود . این به این مفهوم بود که به رغم درآمد نفتی کشور در تراز تجاری خود برای واردات محصولات با دشواری رو به رو بود .

در چنین وضعیتی دکتر مصدق در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ زمام امور را به دست گرفت . او باید ضمن فائق آمدن بر کمبودهای پیشین و به رغم کسری بودجه ، به فکر جایگزین ساختن درآمد حاصل از نفت هم می بود . به گفته خودش: " ماه های قبل از تصدی من هر ماه دو میلیون

لیره از عایدات نفت به سازمان برنامه می‌رسید که بعد از تشکیل دولت اینجانب قطع شد و اولین روز تشکیل دولت اینجانب... موجودی نقد خزانه داری کل در حدود پنجاه و دومیلیون ریال و موجودی نقد سازمان برنامه معادل ۲۸۰۰ ریال بود ... " علاوه بر کسری بودجه، مصدق باید هزینه صنعت نفت را که تا آن زمان بر عهده شرکت نفت انگلیس بود را نیز تامین می کرد .

مصدق در چنین شرایطی با در پیش گرفتن سیاست اقتصادی مبتنی بر "اقتصاد بدون نفت" توانست بر شرایط غلبه کند . اساس سیاست "اقتصاد بدون نفت" بر "سیاست موازنه عدمی" قرار داشت که دوده پیش از آن سوی شهید مدرس و دکتر مصدق در مجالس چهارم و پنجم مطرح شده بود . بر اساس همین سیاست بود که مصدق در مجلس چهاردهم با امتیاز نفت شمال که از سوی روس ها مطرح شده بود مخالفت کرد و در حالی که توده ای‌ها بر مبنای امتیاز نفت جنوب که به انگلستان تعلق داشت خواهان واگذاری امتیاز نفت شمال به شوروی بودند ، قانون ممنوعیت مذاکره رسمی یا غیر رسمی به منظور اعطای امتیاز نفت با پیشنهاد دکتر مصدق به تصویب مجلس رسید.

مصدق برای مقابله با شرایط اقتصادی و جبران کسری بودجه خود چند اقدام همزمان را در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی به راه انداخت . تشویق مردم به کاهش مصرف ، تشویق سرمایه داران داخلی به تولید، به راه انداختن نهضت صادرات و کاهش واردات از جمله این اقدامات بود .

مصدق در زمینه تشویق مردم به استفاده از کالای داخلی مصدق خود پیشقدم بود. به هنگام سفر به آمریکا و دادگاه لاهه به رییس دفتر خود دستور داد تا برای وی از پارچه های برک تولید داخل لباس تهیه کنند .

به نوشته نصرت الله خازنی رییس دفتر نخست وزیر روزی ارباب مهدی که از واردکننده های عمده چای به کشور بود از دکتر مصدق درخواست وقت ملاقات کرد. مصدق حدس زده بود وی به منظور دریافت اجازه واردات چای قصد دیدار دارد. به همین دلیل بعد از پذیرایی از ارباب مهدی و همراهان با چای از آنها پرسید : این چای به نظر شما چه جور بود ؟ و چون آنها از رنگ و عطر چای تعریف کردند گفت که این چای لاهیجان است . به گفته مرحوم خازنی بعد از تعریف و تمجید آنها و صحبت های مصدق در خصوص استفاده از محصولات داخلی : " آنها تکلیف خود را فهمیدند ... این بود که اساسا حرفشان را نزدند و دست از پا درازتر از این جلسه رفتند . واقعیتش این بود که در زمان آقای مصدق به چایکاران داخلی خیلی کمک شد و وسط تولید چای ایران رونق فوق العاده ای پیدا کرد و حتی صادر هم شد "

در اثر اجرای این سیاست در آن سال ها واردات ایران به ۳۶ قلم کالا کاهش یافت.

مصدق به منظور جایگزین ساختن درآمد نفت، تولیدکنندگان داخلی را تشویق به تولید صنایع نفت سوز کرد تا بدین وسیله هم گامی در جهت کاهش وابستگی به خارج برداشته شود و هم با افزایش مصرف نفت و از محل فروش نفت بخشی از کسری بودجه کشور تامین شود. در همین زمینه مرحوم عالی نسب از جمله کسانی بود که با پیشنهاد دکتر مصدق تولید سماورهای نفتی را در ایران آغاز کرد.

همچنان که گفته شد راه اندازی نهضت صادرات یکی دیگر از ابعاد اقتصاد بدون نفت بود. به گفته آگاهان در دوره مصدق بیش از ۸ هزار شرکت که عمدتاً در امر صادرات فعالیت داشتند تاسیس شد که این شرکت ها اقلامی مانند کاغذ باطله، قراضه آهن، سم الاغ، فضله سگ پوست انار و کالاهای صادرات سنتی ایران نظیر خشکبار صادر می کردند.

بودجه دولت در سال ۱۳۳۱ حدود ۹۷۰ میلیون تومان بود که فقط ۶۰ میلیون تومان هزینه های تأسیسات نفت بود. البته آن بودجه کسری داشت، اما آن کسری هم با چاپ اسکناس و با رعایت اصولی که دکتر شاخت آلمانی تجویز کرده بود جبران شد. دکتر شاخت اقتصاددان آلمانی پیشنهاد کرده بود تا به پشتوانه طلا و جواهر بانک ملی، ۲۰۰ میلیون تومان اسکناس چاپ شود تا کسری بودجه جبران شود که این حجم اسکناس اثر تورمی محسوسی هم نداشت. به نوشته دکتر انور خامه ای مجموع نرخ تورم در آن دو سه سال بیش از ۱۰ درصد افزوده نشد.

سال ۳۱ اولین سال پس از مشروطیت است که صادرات و واردات ایران بدون نفت به تعادل رسید.

سیاست اقتصاد بدون نفت در یک جمع بندی کوتاه عبارت بود از قطع امید از خارج و تکیه بر توان فکری، عملی، مادی و انسانی داخلی. در نتیجه اجرای این سیاست، دولتی که به هنگام روی کار آمدن تنها ۵۲ میلیون ریال در خزانه اش موجود بود به رغم تحریم خرید نفت و قطع درآمد نفتی و نیز هزینه تاسیسات نفتی، به گفته مصدق: "به هنگام سقوط وجهی معادل ۸۰۰ ملیون ریال نقد و در حدود ۱۲۰۰ میلیون مطالبات و جنس موجود داشت که از آن دولت بعد استفاده کرد."